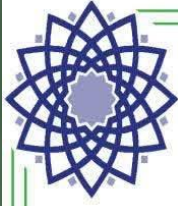


سوره مبارکه تین





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ؛ وَطُورِ سَيْنِينَ؛ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ

قسم به انجیر و زیتون؛ قسم به طور سینا؛ قسم به این شهر امن

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

که ما انسان را در بهترین شکل آفریدیم

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ

آنگاه او را سفله سفلگان کردیم

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

مگر آنهایی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده که برای آنان پاداشی

بی منت است

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ

پس چرا بعد از این دلایل، روز پاداش را تکذیب میکنی؟

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ

آیا خداوند بهترین حکم کنندگان نیست؟



وَ التَّيْنِ وَ الزَّيْتُونِ

احتمال دیگری نیز هست که منظور از تین، کوهستانی است که دمشق بر بلندی آن واقع شده، و منظور از زیتون کوهستانی است که بیت المقدس بر بالای یکی از کوه‌هایش بنا شده، و اطلاق نام دو میوه انجیر و زیتون بر این دو کوه شاید برای این بوده که این دو میوه در این دو منطقه می‌روید، و سوگند خوردن به این دو منطقه هم شاید به خاطر این بوده که عده بسیاری از انبیا در این دو نقطه مبعوث شده‌اند.



وَ التَّيْنِ وَ الزَّيْتُونِ انجیر و زیتون دو میوه معروف است، که خدای تعالی به آنها سوگند یاد کرده، به خاطر اینکه در آنها فواید و خواص و منافع بسیار زیادی سراغ داشته است؛

وَ طُورِ سَيْنِ کوهی است که در آن خدای تعالی با موسی بن عمران تکلم کرد، که طور سیناء هم نامیده می‌شود؛

وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِيرِ مکه مشرفه است، و بلد آمینش خواند، چون امنیت یکی از خواصی است که برای حرم تشریح شده و هیچ جای دیگر دنیا چنین حکمی برایش تشریح نشده است؛



همه این
سرزمین‌ها،
سرزمین انبیاء
و نزول وحی
بوده‌اند.



همانطور که سرزمین‌های مختلف با ویژگی‌ها و شرایط مختلف این قابلیت رو داشتند که بستر نزول انبیاء شوند، انسانها نیز اگرچه دارای استعدادها و قابلیت‌های مختلف و متفاوت هستند ولی همگی در یک ویژگی مشترک هستند و می‌توانند به بالاترین مراتب کمال انسانی دست یابند.

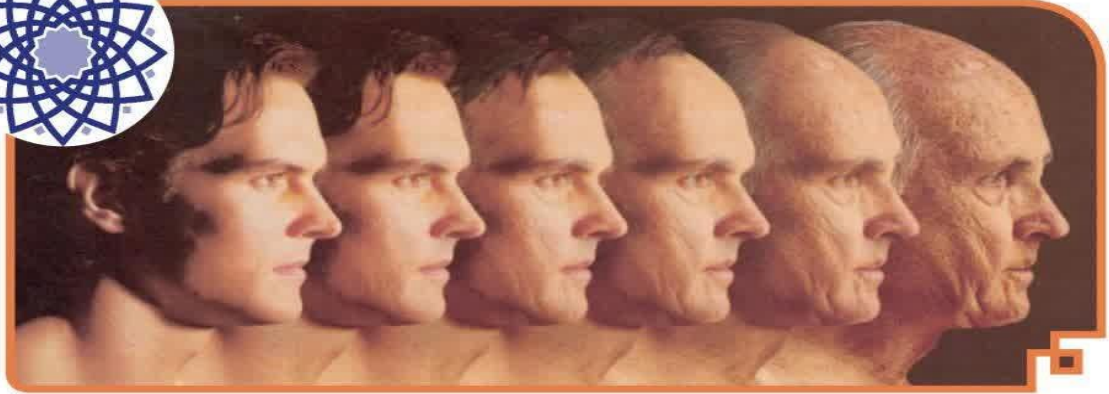


لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

تقویم: هم خانواده با قوام، وضعیتی که موجود در آن وضع به قوام و حالت مطلوب خود می‌رسد.

احسن تقویم: یعنی بهترین مربی، بهترین شرایط، بهترین محیط، بهترین امکانات، بهترین توانمندی، بهترین وضعیت برای رسیدن به شرایط مطلوب فراهم شده تا ما را به بهترین خروجی برساند.





احسن تقویم به معنی درآوردن چیزی به صورت مناسب، و نظام معتدل و کیفیت شایسته است، و گستردگی مفهوم آن اشاره به این است که خداوند انسان را از هر نظر موزون و شایسته آفرید، هم از نظر جسمی، و هم از نظر روحی و عقلی، چرا که هر گونه استعدادی را در وجود او قرار داده، و او را برای پیمودن قوس صعودی بسیار عظیمی آماده ساخته، و با اینکه انسان جرم صغیری است، (عالم کبیر) را در او جاداده و آنقدر شایستگیها به او بخشیده که لایق خلعت و لَقْد کَرْمَنابَنِ آدَم، ما فرزندان آدم را کرامت و عظمت بخشیدیم (سوره اسراء آیه ۷۰) شده است همان انسانی که بعد از اتمام خلقتش می فرماید: فَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ پس بزرگ و پر برکت است خدائی که بهترین خلق کنندگان است؛



ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ



همیشه در کنارکوههای بلند دره های عمیق وجود دارد. انسان که موجودی سرشار از استعداد است اگر از توانمندی خود را در جهت صلاح و خیر استفاده نکند و از مسیر حق منحرف شود، به فساد کشیده می شود و بزرگترین مفسده ها را می آفریند و از جایگاه اصلی خود که احسن تقویم است به عمیق ترین پرتگاه ها که اسفل سافلین است سقوط می کند.



إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ



"غیر ممنون" اشاره به پاداشی دائمی و خالی از هر گونه نقص دارد. همچنین به پایان ناپذیر بودن این اجر و پاداش نیز اشاره دارد.

اکنون انتخاب با ماست که سقوط به اسفل السافلین را برگزینیم یا دست یافتن به سعادت ابدی و بی پایان



محیط و شرایط تا چه اندازه بر صعود یا سقوط انسان اثرگذار است؟

ما همواره در یکی از دو حالت زیر قرار داریم؛

الف. **اختیاری در انتخاب محیط و حوادث پیرامون خود نداریم**

ب. **با اختیار و انتخاب خود شرایط را به وجود آورده ایم**

از طرفی هم موظف هستیم تمت هر شرایطی که قرار داریم کار درست را انجام دهیم و مسیر انحرافی نرویم. تشفیص اینکه چه کاری در هر لحظه درست است کار ساده ای نیست، بخصوص اینکه ممکن است ما در شرایط سفت و یا حتی ناشناخته ای قرار گرفته باشیم.

تنها کسی می تواند برای هر لحظه و حالتی دستورالعمل مناسب آن شرایط را به ما ارائه دهد که از طرفی اطامه کامل به ساختار آفرینش ما داشته باشد و از طرف دیگر کنترل محیط و شرایط هم به دست او باشد. حال اگر چنین کسی نسبت به ما فیرفواه و مهربان هم باشد، مطمئنا اجرای دستورالعمل او ما را به رضایت و سعادت می رساند.

دین مجموعه ای از دستورالعمل هایی است که خالق انسان برای او تعریف کرده تا در

هر شرایطی با مراجعه به این دستورات بتواند بهترین رفتار و عمل را داشته باشد.

بنابراین در هر محیط و شرایطی که باشیم، دین برای ما راهکار و مسیری را قرار داده

است تا بهانه ای برای تسلیم شدن در برابر شرایط نداشته باشیم.

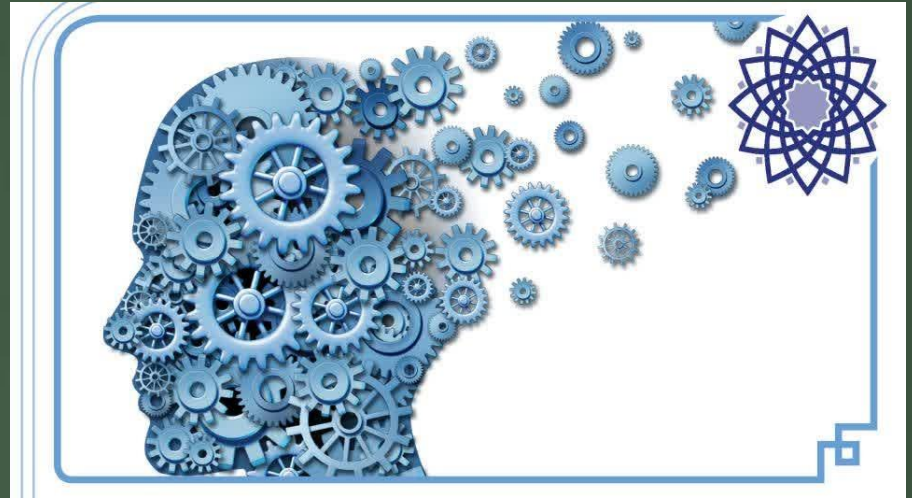


کذب مخالف صدق
است و صدق به معنی
مطابقت با حق. پس
کذب به معنی مخالف
بودن با حق است.
وقتی ما به حقانیت
چیزی علم داریم ولی
به آن عمل نمی‌کنیم در
واقع آن را **تکذیب**
کرده‌ایم.

وَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدَ بِالذِّيرِ «ما» در این آیه، استفهامی است. یعنی چه چیز تو را واداشت که بعد از اینکه آیات را برایت گفتیم دروغ بگویی؟ بعد از اینکه گفتیم احسن تقویم، اسفل سافلین و الا الذین امنوا و عملوا الصالحات وجود دارد، چه چیز باعث شد که به سمت کذب پیش بروی؟ این یعنی اینکه برای انسان کافی است که بداند خداوند انسان را در احسن تقویم خلق کرده و کسانی که امنوا و عملوا الصالحات هستند، اجر غیرممنون دارند. همین لازم است برای این که بفهمیم دینی وجود دارد و این مسیر، مسیر دینداری است؛



أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ



اشتباه باوری کسانی که به اسفل السافلین سقوط کردند این بود که خدا را **احکم الحاکمین** نمی دانستند. **حکم** به معنی چیزی است که ثابت و استوار باشد. وقتی می گوئیم خدا **احکم الحاکمین** است یعنی که او فوق هر حاکم است، چون حکمش محکم ترین و مطمئن ترین حکم است و مطابق با حکمت است و حکم او به هیچ وجه باطل نمی گردد.

انسان با ایمان با عمل به حکم الهی، **دین** را تصدیق می کند.

بنابراین یکی از عوامل تکذیب دین **احکم الحاکمین** ندانستن خداوند است، یعنی حکم خدا را بهترین حکم نمی داند و در قیامت نیز به حاکمیت خداوند و جزا و پاداش دادن او ایمان ندارد.



بعد از آنکه مسلم شد که

انسان در احسن تقویم خلق شده،

و معلوم شد که بعد از خلقت، به دو گروه تقسیم می‌شود،

1. گروهی که از تقویم خدادادیش که تقویمی احسن بود خارج و به سوی اسفل سافلین برمی‌گردد.

2. گروهی که به همان تقویم احسن الهی و برفطرت اولش باقی می‌ماند.

و از سوی دیگر

خدای تعالی مدبر امور و احکم الحاکمین است.

و از سوی سوم حکمت این خدا اقتضا دارد که با این دو گروه يك جور معامله نکند نتیجه می‌گیریم که:

پس باید روز جزایی باشد، تا هر گروهی به جزای عملی که

کرده‌اند برسند، و عقل و فطرت آدمی اجازه نمی‌دهد

و بهانه‌ای ندارد که این روز جزا را تکذیب کند.



تمرین:

- ✓ اولاً خداوند چه نعمت هایی را در اختیار هر کدام از ما قرار داده است؟
- ✓ دوماً راه استفاده درست از این نعمت ها برای ماندن در وضعیت احسن تقویم چیست؟
- ✓ سوماً چطور ممکن است که همین نعمت ها ما را به اسفل سافلین سقوط دهد؟

